

گفتوگوی «جوان» با محمد خدایی، شیشه‌بر جهادی در اصفهان

شیشه را در بغل جنگ نگه می‌دارند

۵۰ نفر نیروی شیشه‌بر جهادی در اصفهان پای کار برش و نصب ۵۰ هزار متر مربع شیشه ایستاده‌اند



گفتوگو
حسن فرامرزی

وقتی شیشه‌های در خانه می‌شکنند، کسی امروز و فردا نمی‌کند، چون شیشه بخشی جدایی‌ناپذیر از حریم خانه است؛ شیشه‌هایی که جان پنجره‌ها هستند و دست نور را می‌گیرند و به فضای خانه می‌آورند. با این همه، در جنگ هیچ مصالحی به اندازه شیشه‌ها شکننده و ظریف نیستند. درست مثل گزاره‌های ما. کلمات داوری‌های مان، وقتی جنگ شروع شد، بعضی از ما به طعنه گفتند که نان شیشه‌برها در روغن است. اگر این جنگ برای ما آب نداشت، برای شیشه‌برها حسابی نان داشت، اما جنگ هر چه پیش‌تر رفت، فضاها شفاف‌تر شد و خبرها از حضور شیشه‌برها در خط مقدم حرکت‌های جهادی پشت جبهه حکایت داشت. گفت‌وگو با محمد خدایی، شیشه‌بر اصفهانی می‌خوانید که بعد از عید، خود را در متن یک حرکت جهادی قرار داده است.

آقای خدایی! چه شد به عنوان یک شیشه‌بر به ذهن شما دوستان تان در اصفهان رسید که بخش قابل توجهی از زمان‌های تان را به صورت جهادی و صلواتی در اختیار خانواده‌های آسیب‌دیده قرار دهید؟ یعنی درست جایی که می‌توانستید برای خودتان درآمذایی فوق‌العاده‌ای داشته باشید.

از زمانی که دچار رمضان شروع شد و به خاطر حجم بمباران‌ها منازل مسکونی دچار آسیب شد، در تلویزیون دیدم که در تهران گروه‌های جهادی شروع کرده‌اند به خانواده‌هایی که منازلشان دچار آسیب شده، خدمات می‌دهند. اسفندماه و اصفهان داشت بمباران می‌شد. تماس‌ها شروع شد که خانه ما را زده‌اند و شیشه‌های مان شکسته است. من به خاطر حرفه‌ام و به واسطه همین تماس‌ها به منازل مراجعه می‌کردم، ولی از همان موقع با خودم عهد بستم که الان موقعیتی نیست که بخوابم طبق روال مرسوم از مردم دست‌مزد بگیریم، چه برسد به اینکه خدای ناکرده کسی از این موقعیت سوءاستفاده کند، یعنی اگر مثلاً جرت ما در زمان صلح یک میلیون تومان بود، الان نصف همان مقدار را باید بگیرم تا هم‌در مردم باشم و بخشی از این بار را به دوش بکشم. از همان روزهای اول خانواده را جایی بیرون از شهر بردم و خودم برگشتم اصفهان. با خودمان گفتیم که ما مثل دوستان رزمندگان با لایحه‌ها نیستیم، اما می‌شود پشت جبهه کاری انجام داد که هر می‌برد دل داغ‌دیده مردم باشد. دنبال فرصتی برای کار گروهی بودم تا اینکه اتحادیه ما اعلام کرد فرد خبری در اصفهان با هماهنگی استانداری، ۵۰ هزار متر شیشه خریداری کرده و افرادی که مایل به کمک هستند و دوست دارند به صورت جهادی کار کنند، می‌توانند در این امر خیر سهیم باشند، البته دو روز قبل از آن تماسی از طرف دوستان گرفته شد و گفتند یک شرکت خصوصی در هفتون اصفهان که از اولین محله‌هایی بود که واحدهای مسکونی آن مورد حمله قرار گرفت، مقدار قابل توجهی شیشه خریداری کرده. گفتند شیشه‌بر می‌خواهند که اندازه گیری و برش شیشه‌ها را انجام دهد. من گفتم با کمال میل می‌روم.

این اتفاقات اسفندماه دارد می‌افتد؟

نه، اسفندماه هنوز به ما اعلام نکرده بودند که گروه‌های جهادی تشکیل شده، اما ما به صورت خودجوش بر اساس تماس‌هایی که گرفته می‌شد، خدمات ارائه می‌کردیم، حتی آن موقع هم که جهادی کار نمی‌کردیم، سعی مان این بود که قیمت‌ها را پایین در نظر بگیریم، اما فروردین که محله مسکونی هفتون مورد اصابت قرار گرفت، ما آنجا ۳۲ شهید دادیم. وقتی پیکرهای شهدا را از زیر آوار بیرون می‌کشیدند، صحنه‌های خیلی درآوری دیدم که فراموش نشدنی است. ما از آنجا شروع به کار کردیم، چون حجم انفجار به

حدی بود که شیشه‌های واحدهای مسکونی زیادی بر اثر موج انفجار شکسته بود. **امسال عید هم هوا سرد بود.**

بله، از همان موقع شروع به اندازه‌گیری و کدگذاری کردیم. ما این اندازه‌ها را در اختیار همان شرکت قرار می‌دادیم و نیروهای نصب بلافاصله کارشان را انجام می‌دادند.

این شرکت در واقع به صورت کار خیر در این امر شرکت کرده بود؟

بله، آنها جزو خیرین بودند. راستش قبل از اینکه استانداری به ما اعلام کند و حجم بزرگ کار را در اصفهان شروع کنیم، من دوست داشتم در گروه‌های جهادی باشم. کار ما آنجا کمی‌بیش ادامه داشت و ضمن همکاری با همان شرکت با دوستان هماهنگ می‌کردیم که برش و نصب شیشه‌ها با سرعت انجام شود. آنجا شیشه‌های ما مشتاقانه پای کار آمدند و به صورت خودجوش برای نصب فعال شدند، اما هر حله بعدی کار ما زمانی شروع شد که اعلام کردند استانداری و شهرداری اصفهان در هماهنگی با یک خیر، ۵۰ هزار متر شیشه خریداری کرده است.

۵۰ هزار متر شیشه احتمالاً رقم قابل توجهی است.

حدود ۱۴ میلیارد تومان، شاید هم بیشتر، فقط قیمت شیشه‌هایی است که از سوی آن خیر در اختیار ما قرار گرفت. خوب، شیشه از دکان خریداری شده بود که کیفیت بسیار بالایی دارد.

شیشه‌برهای گروه جهادی شما در اصفهان چند نفر است؟

ما حدود ۵۰ نفر هستیم، اما به صورت چرخشی در روز دست کم بین ۱۰ تا ۱۵ نفر هستیم. دوست بزرگوار می‌هم از خیره‌ای به نام حضرت مهدی (عج) که خدا برایشان خوب بخواهد، به نام حاج محسن - فاطمی‌شان را نمی‌دانم - هماهنگی‌های لازم را انجام و بخشی از فضای آن خیره‌ها را در اختیار اتحادیه شیشه و آیین اصفهان قرار دادند. محل مورد نظر بخشی از فضای سرای سالمندان طوبی در خیابان گلستان است و شیشه‌ها به صورت رایگان در آنجا تخلیه شد. آنها همه جوره پای کار بودند و هستند و به دوستان جهادی ما خدمات پذیرایی و هر آنچه که لازم داشته باشیم، ارائه می‌کنند.

شما و دوستان تان در روز جغد زان می‌گذارید؟

ما صبح معمولاً ساعت ۸/۵ پای کار هستیم تا بعداً ظهر قبل از غروب آفتاب تا جایی که روشنایی روز اجازه می‌دهد.

چند روز است که مشغول شده‌اید؟

حدود دو هفته است که به صورت مستمر در اینجا فعالیت می‌کنیم.

یعنی شما کار و زندگی را تعطیل کرده‌اید و فعلاً دارید به صورت جهادی این کار را انجام می‌دهید؟

بله. بعد از تعطیلات آغازین عید که شیشه‌ها به صورت کامل در این محل تخلیه و محل برای برش شیشه آماده شد، فهرست‌های اندازه در اختیار ما قرار گرفت از مناطق ۷، ۸، ۱۲. از آن لحظه کار برش و نصب به صورت سازماندهی شده جلو

رفته است.

معمولاً در روز جغد شیشه برش می‌زنید؟

روزانه ۲۰۰-۲۵۰ متر شیشه برش می‌زنیم و جهت نصب به شهرداری‌ها تحویل می‌دهیم. نیروهای شیشه‌بر ما برای اندازه‌گیری و نصب سه محله‌ها می‌روند و نیروهای جهادی در کنار نیروهای نصب به حمل شیشه‌ها در طبقات، پاک‌سازی، زیرسازی و جازدن شیشه‌ها کمک می‌کنند. البته قراردادی با شهرداری بسته شده که مواد اولیه مثل چسب و نوار در اختیار شیشه‌برها قرار می‌گیرد.

در این دو هفته‌ای که فعالیت می‌کنید، چه میزان مترآزی را تحت پوشش قرار داده‌اید؟

آمار دقیق در اختیار من نیست، اما روزانه به صورت میانگین ۲۵۰ متر مربع و گاهی بیشتر شیشه برش زده‌ایم که بلافاصله جهت نصب در اختیار گروه‌های نصاب در محلات قرار گرفته است، البته مالک ما ساختمان به ساختمان است تا زودتر واحدهای مسکونی را به آسایش برسانیم.

آیا تیم‌ها هم تقسیم‌بندی شده‌اند؟ مثلاً تیم‌هایی که برش می‌زنند، تیمی که نصب می‌کند، تیمی که اندازه‌گیری می‌کند.

بله، تیم‌ها مختلف است، چون بخشی از این کار به واسطه قراردادی است که شهرداری با همین گروه‌های نصاب بسته و اعلام کرده که شش‌متر اندازه‌ها و شیشه‌های مورد نیاز خود را از محلی که برای این کار در نظر گرفته شده، یعنی همان جایی که ما اکنون هستیم، تهیه کنید. ما بر اساس فرم‌هایی که برای این کار در نظر گرفته شده، با این گروه‌ها در حال تعامل و همکاری هستیم، البته من زیاد در جریان روند جزئیات و مراحل اداری این موضوعات نیستیم. دوست دارم لحظه‌هایی که اینجا هستم، سرم به کار مشغول باشم.

معمولاً گروه‌های جهادی فضای خاصی دارند و حال و هوای حال خوب کنی بر این گروه‌ها حاکم است. همین که افرادی از منفعت شخصی آن هم در روزهای اضطرار و ترس گذشته‌اند و اینطور بی‌منت خود را وقف خیر جمعی و همگانی می‌کنند، انرژی فوق‌العاده خوبی به آدم می‌دهد. قدری از باز خورد‌هایی که در این چند هفته از این جمع گرفته‌اید بگویید.

این فضاها همچنان که گفتید، واقعا دلی است. هر کسی خودش می‌داند و خدای خودش. اینجا چیزهایی نیست که بشود خیلی راحت دربارشان حرف زد. من در حد خودم بگویم که هر وقت از این فضا و جمع دور می‌شوم، مثلاً وقتی مجبورم ناچار کار ساختمانی را انجام دهم و به مازامه‌ها سر برزنم، نایب به تائیه‌اش دلم پر می‌کشد که دوباره به اینجا برگردم، چون سخت است در ذهنت داشته باشی که الان یک خانواده، خانه‌شان شیشه ندارد و پلاستیک به پنجره‌ها زده‌اند. بگذارید خاطره کوچکی بگویم. شب عید بود. دو سه ساعت به سال تحویل مانده بود. من آن روزها با اکثر مشتری‌هایم تماس می‌گرفتم که مطمئن شوم شیشه‌های‌شان

آسیب ندیده باشد. چند بار نیت کردم به یکی از مشتری‌هایم زنگ بزنم، اما کارهایی پیش آمد و هر بار به یک علت نتوانستم با او تماس بگیرم. بالاخره خود او زنگ زد و گفت فلانی شیشه‌خانه ما شکسته و خانه‌مان سرد است. چند ساعت به سال تحویل مانده بود. گفتیم شیشه جام ندارم، شیشه دست دوم داریم. می‌آورم و شیشه را می‌اندازم. فقط اندازه شیشه‌ها را به من بده. خانه‌شان محدوده استخر فجر اصفهان بود. وقتی آن روز شیشه‌های خانه این مشتری را انداختیم، حس خیلی خوبی داشتم. خانم این مشتری برگشت به من گفت: چند روزی بود که من از سرما در خانه می‌لرزیدم، اما از امشب شما را دعا می‌کنم چون خانه‌مان گرم می‌شود. با اینکه کنار خانواده‌ام نبودم، ولی واقعا آن لحظه روزم ساخته شد. انگار سسال جدیدم با این یک کلمه حرف... (اینجا آقای خدایی احساساتی می‌شود و برای لحظاتی صدای او از پشت تلفن نمی‌آید. بعضی راه گلویش را بسته است. بعد از لحظاتی صدایش را می‌شنوم که می‌گوید) خدا توفیق خدمت به همه ما بدهد. حالا یک چیز را هم همین‌جا بگویم. گاهی مردم خیلی به ما کنایه می‌زنند که خدا برای شما خواسته است. (اینجا من زیر خنده می‌زنم). شیشه‌ها شکسته و بازار را دست‌نشان گرفته‌اید. خدا از دل‌ها آگاه است. من به این آدم‌ها می‌گویم همان وقت هم که جنگ نبود، من هیچ وقت راضی نبودم شیشه ساختمانی بشکند و من برون شیشه شکسته‌ای را ترمیم کنم. ضرر به مردم خیلی سخت است و جبران ضرر در این شرایط سخت‌تر. متأسفانه برخی از افراد را داشتیم که در آن لحظه‌ها و روزهای اول جنگ به قول معروف پیرو خط شیطان شده بودند، اما خدا را شکر اتحادیه، بازرسی، اصناف و تعزیرات خیلی سریع وارد عمل شدند و با این فضا مقابله کردند.

فرض کنید یک آپارتمان ۱۰۰متری شیشه‌هایش شکسته است. اگر خودش بخواهد هزینه‌ها را پرداخت کند، به طور میانگین بسته به مترآز شیشه‌ها چقدر باید هزینه کند؟

البته دقیق نمی‌شود گفت، ساختمانی بود که در باز دیده‌های ما از منطقه استخر فجر فقط یک شیشه‌اش شکسته بود. یک ساختمان هم در منطقه باهنر در مجاورت نقطه اصابت پهپاد قرار گرفته بود. با اینکه ساختمان با منطقه اصابت فاصله داشت، ولی خیلی از شیشه‌های آن ساختمان شکسته بود، شاید حدود ۲۳ متر شیشه لازم داشت. حالا این را داخل پرانتز بگویم. خانم مَسَن مؤمنه‌ای در این ساختمان بود و وقتی ما وارد این ساختمان شدیم، زیبایی این خانه مرا تحت تأثیر قرار داد و یاد نوستالژی خانه‌های قدیمی افتادم. با وجود بمباران و شرایط جنگی، انگار خانه هنوز اصرا داشت حال و هوای عید را در خودش نگه دارد. ما درست است که برای ترمیم شیشه‌های این ساختمان وارد آنجا شده بودیم، ولی عواطف آدم خواهان‌خواه به جوش می‌آمد. گل‌های شببو و حوض وسط خانه، باغچه خیلی زیبا در حیاط، پرده‌های کرکره‌ای و بوی عید و فرش‌های تمیز، من یاد عیدهای قدیمی افتادم و گفتم خدایا چرا شیشه‌های چنین خانه‌ای باید بشکند.

حریم خانه وقتی می‌شکند، انگار آدم آن تعدی و تجاوز را عینی لمس می‌کند و می‌بیند. توصیف تان خیلی برام زیبا بود. اینکه آن خانه در اصفهان مثل زنی زیبا که هنوز وقار و زیبایی خود را حفظ کرده، نمی‌خواهد به واسطه شکستن آن شیشه‌ها از زیبایی‌اش شکوه خود کم کند. داشتید می‌گفتید، اگر مثلاً ۲ متر شیشه شکسته باشد...

فکر می‌کنم حداقل ۱۴ میلیون تومان هزینه دارد.

چسب زدن شیشه‌ها تأثیری در نشکستن آنها دارد؟

چسب روی شیشه باعث نمی‌شود شیشه موقع انفجار نشکند، البته اگر شیشه‌هایی که روی آنها چسب زده شده، نزدیک نقطه انفجار باشند، به صورت تکه‌های بزرگ در تباب می‌شوند. اگر چسب نزنیم و شیشه نزدیک منطقه انفجار باشد، شیشه به صورت تکه‌های کوچک پرتاب می‌شود.

پس بهترین کار در این باره چیست؟

تنها عاملی که در این جریان کمک می‌کند، پرده‌های پشت شیشه است. در همین جنگ، خانه‌هایی که پرده‌های‌شان را کشیده بودند، شیشه‌ها به‌ویژه وقتی پرده‌ها ضخیم بود، در پرده‌ها فرو می‌رفت و از پرتاب آن به داخل خانه جلوگیری می‌کرد.

برنامه جهادی شما تا چه زمانی خواهد داشت؟

تا جایی که تمام شیشه‌ها نصب و فهرست‌ها تمام شود، برقرار است.

اگر نکته‌ای مانده است بفرمایید.

دوست دارم به همه همکارها و هم‌صنفا‌ها بگویم امیدوارم خانه شما هیچ وقت دچار گرند نشود، ولی یک‌صدم ثانیه خودتان را در کنار مردمی قرار بدهید که در این جنگ آسیب دیدند. از هم‌صنفا‌هایم می‌خواهم در کنار گروه‌های جهادی باشند و سعی کنیم با هم‌دیگر کارها را پیش ببریم. شاید این کار ذخیره‌ای برای بعد ما باشد. تو نیکی می‌کن و در دله‌انداز، که ایزد در بیانات دهن‌باز، ما ایرانی هستیم و در کنار هم برای رشد و سعادت کشورمان خواهیم ماند.



مجمع خیرین اصفهان و نایب‌رئیس خیرین کل کشور صحبت می‌کردم. ایشان بازسازی ۶۰ واحد آسیب‌دیده را در اصفهان تقبل کردند که این واحدها کامل تعمیر و بازسازی شوند. این بازسازی هم شامل خریداری و نصب چارچوب پنجره‌ها، درهای ورودی،

زیرسازی، برج‌بری، نما و رنگ می‌شود. ۶۰ واحدی که ایشان تقبل کرده، دقیقاً در مجاورت ساختمان آپتیک در اصفهان است که به قول اصفهانی‌ها هر بار که جنگنده‌ها بمب اضافه داشتند، بر سر این ساختمان می‌ریختند.

محمدرضا رسولی، نایب‌رئیس اتحادیه شیشه اصفهان:

اصناف جلودار باشند خیرین کمک خواهند کرد

این کار را به صورت دوجداره، تک‌جداره و مشجر برای‌شان انجام می‌دهیم. خوشبختانه طولی نکشید که استانداری اصفهان به اندازه کل واحدهای آسیب‌دیده شیشه اینجا خالی کرد، آن هم بهترین نوع شیشه‌ای که در ایران می‌توان کار کرد. بازخورد‌ها هم خیلی خوب بود. کارگاه ما در خیابان کاوه است. بخشی از خیره‌های طوبی در اختیار ماست. مردم که رد می‌شوند، وقتی متوجه می‌شوند قرار نیست یک برج یا بخش قابل توجهی از حقوق یک مساه خود را صرف خرید و نصب شیشه کنند، خیلی خوشحال می‌شوند. جالب است خیلی از افرادی که حتی خانه‌های‌شان صدمه‌ای ندیده، با یک جعبه شیرینی می‌آیند و چهارجدارها قدر دانی می‌کنند.

زمانی که جنگ شروع شد، خیلی از خانه‌ها به‌ویژه در مناطق ۷ و ۸ اصفهان صدمه دیدند. در خیابان کاوه، خانه اصفهان و جاهای دیگر، خوب، در بدو اتفاق یکسری افراد سودجو با قیمت‌های عجیب و غریب قصد سوءاستفاده از وضعیت موجود را داشتند. طبیعتاً مردم ناراضی بودند. وقتی ما با تعزیرات هماهنگ کردیم، محل کسب این افراد پلمب شد. از طرفی طی جلسه‌ای که دوسه روز مانده به عید با استانداری داشتیم، بحث بر این بود که بطور می‌شود این موضوع را حل کرد، چون شاید چیزی کسانی هم که وضعیت مالی خوبی دارند، در آن موقعیت امکانپذیر نبود که ۲۰-۱۰ میلیون پول شیشه بدهند. پیشنهاد ما به استاندار این بود که خیری پیدا کنید شیشه و با ما تحویل بدهد، ما